

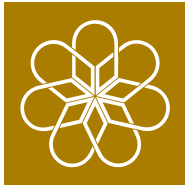
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محمد علی



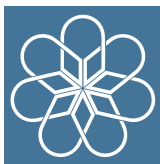
تمدن‌های رسمی و گردانندگانِ ناآگاهِ آنها، این طرز تلقی از قدرت، و توصیه و تأکید به آن را، پند و اندرز و موعظه می‌پندارند و اعتنایی به آن نکرده، می‌گویند: «بروید این مطالب را در مسجد، کلیسا، کنیسه، معابد بودایی و محافل مرتاضان مطرح کنید؛ این حرف‌ها به درد ما نمی‌خورد». ما هیچ پاسخی برای اینان نداریم، جز نشان دادن افزایش تیمارستان‌ها، افزایش زورگویی‌ها، حق‌کشی‌ها، رواج ماکیاولی‌گری‌ها، جنگ‌های مستمر و خانمان‌سوز و پایمال شدن جوامع ناتوان به وسیله جوامع قدرتمند و استخدام مقدس‌ترین وسایل، مانند علم و آزادی و وجدان و غیر آن، برای اشباع خودخواهی بیمارگونه قدرتمندان و صرف محصول انرژی‌های حیاتی آدمیان در بنیان‌کن‌ترین اسلحه‌ها.

مجموعه آثار ۹



فلسفه فرهنگ، هنر، تاریخ و تمدن

محمدتقی جعفری



مؤسسه تیرنیر نشر آثار علامه جعفری

Muhammad Taghi Ja'fari

مجموعه آثار ۹
فلسفه فرهنگ، هنر، تاریخ و تمدن

نویسنده: محمدتقی جعفری

چاپ: چاپ و طرح امروز

چاپ اول: بهار ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۰۸-۸۹-۴

قیمت: ۵۰۰۰۰۰ ریال

تطبیق و تصحیح:

علی جعفری، زهره محمدعلی،

میترا رفیع زاده، ساره شاهسون

تدوین و تنظیم: عبدالله نصری

(استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی)

تنظیمات رایانه‌ای: رؤیا عیززی موسوی

طراح جلد: سعید عجمی

مشاور هنری: حسام صادقی

خطاط: محمدعلی قربانی

تهران / فلکه دوم صادقیه
بلوار کاشانی / خیابان حسن آباد
کوچه ۴ / پلاک ۲۲ / طبقه دوم

تلفن: ۰۲۱-۴۴۰۹۱۰۴۲ / ۴۴۰۰۵۴۵۳

نمابر: ۰۲۱-۴۴۰۷۰۲۰۰

کلیه حقوق نشر مکتوب
و الکترونیک برای این مؤسسه
محفوظ است.

WWW.ostad-jafari.com

Info@ostad-jafari.com

سرشناسه: جعفری تبریزی، محمدتقی، ۱۳۷۷. ۱۳۰۲.

Muhammad Taghi Ja'fari Tabrizi

عنوان و نام پدیدآور: فلسفه فرهنگ، هنر، تاریخ و تمدن /

محمدتقی جعفری؛ تهیه و تنظیم عبدالله نصری؛

تطبیق و تصحیح علی جعفری ... [و دیگران]

مشخصات نشر: تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۸۶۴ ص. مصور (بخشی رنگی).

فروست: مجموعه آثار؛ ۹.

شابک: ۵۰۰۰۰۰ ریال / ۴ - ۸۹ - ۶۶۰۸ - ۹۶۴ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: تطبیق و تصحیح: علی جعفری، زهره محمدعلی،

میترا رفیع زاده، ساره شاهسون

یادداشت: کتاب حاضر قبلاً به صورت جلد‌های مجزا منتشر شده است.

شناسه افزوده: نصری، عبدالله، ۱۳۳۲ -

شناسه افزوده: جعفری، علی، مصحح، ۱۳۴۳ -

شناسه افزوده: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری

شناسه افزوده: Allameh Jafari Institute

رده‌بندی کنگره: ۸۱۳۹۶ ج ۷ / ۱۲۷ AC

رده‌بندی دیویی: ۰۸۹/ فا

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۴۹۷۹۵

نمایه مطالب

پیشگفتار.....	۲۱
کتاب اول - فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو.....	۲۳
درآمد.....	۲۵
فرهنگ و تأثیر ضروری آن در حیات معقول بشری	۲۵
مقدمه‌ای در تعریف فرهنگ	۲۵
فرهنگ و تمدن.....	۲۷
نگرانی از نابودی آینده فرهنگ تکاملی	۲۷
لزوم تحقیق در تعاریف فرهنگ.....	۳۱
ضرورت تحقیق در تعاریف فرهنگ	۳۲
مقدمات تحقیق و بررسی تعاریف فرهنگ.....	۳۳
رابطه معانی جدید فرهنگ با معنای قدیم آن.....	۳۴
جستجو برای کشف آن حقیقت جامع ثابت و ارزشی، به نام فرهنگ	۳۵
فصل ۱ - تعریف فرهنگ در فرهنگ‌نامه‌ها و دائرةالمعارف‌های دوران معاصر	۳۷
فرهنگ از دیدگاه مراجع فارسی	۳۷
فرهنگ از دیدگاه مراجع عربی	۴۱
فرهنگ از دیدگاه مراجع فرانسوی.....	۴۳
فرهنگ از دیدگاه مراجع آلمانی	۴۵
فرهنگ از دیدگاه دائرةالمعارف آمریکا	۴۶
تکامل فرهنگ	۴۷
عناصر فرهنگ	۴۸
شیوه فرهنگ	۴۹
فرهنگ از دیدگاه دائرةالمعارف گرولیر	۵۸
فرهنگ از دیدگاه دائرةالمعارف وُردل بوک	۶۰
فرهنگ چگونه تغییر پیدا می‌کند؟	۶۲
فرهنگ از دیدگاه مراجع آرژانتینی	۶۴
فرهنگ از دیدگاه دائرةالمعارف انگلیسی (بریتانیکا).....	۶۷

تعاریف مختلف فرهنگ	۶۸
اشتیاق به درک حقیقت فرهنگ حیات بخش، در ذات انسان نهفته است.	۷۲
فرهنگ از دیدگاه دائرةالمعارف روسی.	۷۷
فرهنگ از دیدگاه دائرةالمعارف ایتالیا.	۸۰
فرهنگ از دیدگاه مراجع یونانی.	۸۳
فرهنگ از دیدگاه مراجع اسپانیایی.	۸۴
فرهنگ از دیدگاه مراجع چینی.	۸۶
فرهنگ از دیدگاه مراجع ژاپن.	۹۱
فرهنگ از دیدگاه مراجع هندی.	۹۲
فلسفه فرهنگ از دیدگاه هندوان.	۹۳
نفوذ جغرافیایی بر توسعه فرهنگی.	۹۴
بررسی سایر عناصر فرهنگ هند.	۹۵
جان گرایی در فرهنگ هند.	۹۷
فرهنگ از دیدگاه مراجع آفریقایی.	۹۹
فرهنگ از دیدگاه دائرةالمعارف لهستان.	۱۰۲
فرهنگ از دیدگاه مراجع فنلاندی.	۱۰۳
فرهنگ از دیدگاه مراجع سوئدی.	۱۰۴
فرهنگ از دیدگاه مراجع دانمارکی.	۱۰۴
فرهنگ از دیدگاه مراجع ترکی.	۱۰۷
فرهنگ از دیدگاه دائرةالمعارف حقوق بشر.	۱۰۸
موارد توافق نظر میان فرهنگ اسلامی و فرهنگ حقوق بشر.	۱۱۰
ملاک اختلاف نظر فرهنگ اسلامی و فرهنگ های ناسازگار با ارزش های متعالی انسانی.	۱۱۱
فصل ۲ - ماهیت فرهنگ تکاملی.	۱۱۲
فرهنگ هر اندازه معنوی تر و عالی تر باشد، انسانی تر است.	۱۱۲
اصول چهارگانه که از تعریف فرهنگ استفاده می شود.	۱۱۴
فرهنگ خاص	۱۱۵
فرهنگ عام.	۱۱۶
ارتباط عناصر بایسته فرهنگی با عناصر شایسته فرهنگی.	۱۱۶
آیا حقیقتی به نام فرهنگ، در تحولات تاریخی، حرکت تکاملی داشته است؟	۱۲۰

نمایه مطالب ۷

ناهماهنگی عناصر فرهنگی در جریان عینی، موجب تباهی کل فرهنگ انسانی می‌شود.	۱۲۳
علل مهم ناهماهنگی عناصر فرهنگی در یک جامعه.	۱۲۴
۱- خودخواهی قدرتمندان	۱۲۵
۲- لذت‌گرایی	۱۲۵
۳- سلطه‌گری،	۱۲۵
تعریف اجمالی فرهنگ.	۱۲۵
فصل ۳- فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو.	۱۲۸
در هر موردی که بشر با نظام پیشرو حرکت کرده، توفیق پیشرفت داشته است.	۱۲۹
تقسیم‌بندی فرهنگ‌ها.	۱۳۲
۱- فرهنگ رسوبی	۱۳۲
۲- فرهنگ مایع و بی‌رنگ.	۱۳۳
۳- فرهنگ خودمحوری یا خودهدفی پیرو.	۱۳۴
۴- فرهنگ پویا و هدفدار و پیشرو.	۱۳۴
عامل به وجود آورنده فرهنگ هدفدار و پیشرو.	۱۳۶
ریشه‌های فرهنگ‌گرایی	۱۳۶
ریشه اولی.	۱۳۶
ریشه ثانوی.	۱۳۷
بعد شفاف فرهنگ و بعد ملموس آن	۱۳۸
انواع بعد شفاف فرهنگ	۱۴۰
راه اصلاح ابعاد شفاف فرهنگ و هماهنگی آنها با ابعاد ملموس فرهنگ.	۱۴۱
هدف اعلای حیات، به وجودآورنده فرهنگ اصیل و هدفدار.	۱۴۵
فرهنگی را که اسلام بنا نهاد.	۱۴۶
آیا یک جامعه می‌تواند فرهنگ‌های متنوع داشته باشد؟	۱۴۹
مذهب آریایی‌ها و اخلاق آنها	۱۵۲
آیا فرهنگ اسلامی با فرهنگ غربی سازگار است؟	۱۵۴
بعضی از مبانی اصلی فرهنگ امروز مغرب‌زمین	۱۵۵
۱- زندگی دنیوی.	۱۵۵
آزادی مطلق برای مزد تا حد بی‌بندوباری، مگر در صورت مزاحمت دیگران	۱۵۶
۲- آزادی مطلق	۱۵۶

۸ مجموعه آثار ۹. فلسفه فرهنگ، هنر، تاریخ و تمدن

۳. اصالت قدرت ۱۵۶
۴. اصالت لذت ۱۵۷
۵. اصالت منفعت ۱۵۷
۶. روش ماکیاوولی در فرهنگ سیاسی ۱۵۸
۷. رواج پراگماتیسم بدون تفسیر صحیح آن ۱۵۸
۸. محدود کردن شناخت‌های علمی ۱۵۸
۹. طرح مسائل گسیخته به عنوان فلسفه و جهان‌بینی ۱۵۹
۱۰. هنرهای مبتذل ۱۵۹
- علل اصلی انحطاط تمدن و فرهنگ مغرب زمین، فساد اخلاقی است. ۱۶۰
- عوامل ثبات و پایداری فرهنگ‌ها در طول تاریخ ۱۶۴
- تقلید و پیروی کورکورانه از عقاید و رسوم و فرهنگ گذشتگان، عقل و اندیشه را از کار می‌اندازد. ۱۶۷
- مصاحبه مجله اشپیگل با هانس پیتر دور (Hans peter Düerr) ۱۶۹
- انتقال انواع فرهنگ‌ها و فرهنگ‌پذیری و عوامل آن ۱۷۱
- پیدایش صنعت و پیدایش آدمی ۱۷۴
- انتقال فرهنگ‌ها ۱۷۵
- تغییرات فرهنگی در دنیای امروز؛ بررسی دیدگاه یکی از صاحب نظران غربی ۱۸۱
- امکان منتقل شدن انواع عناصر فرهنگی از یک جامعه به جوامع دیگر ۱۸۳
- آزادی معقول، یا بی‌بندوباری نابودکننده اخلاق؟ ۱۸۵
- یک توجه عمیق به نتیجه فرهنگ‌زدایی به نام تعمیم فرهنگ! ۱۹۳
- ارتباط فرهنگ جهانی با جهانی بودن ۱۹۴
- کتاب دوم - زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام ۱۹۷**
- بخش اول: زیباجویی انسان ۱۹۹
- فصل ۱ - نگرشی فلسفی به هنر ۲۰۰
- چهار نوع نگرش ۲۰۰
- ۱- نگرش‌های علمی محض ۲۰۰
- ۲- بینش‌های نظری ۲۰۰
- ۳- بینش‌های فلسفی ۲۰۱
- ۴- بینش مذهبی ۲۰۱
- نگرش به هنر از چهار بُعد ۲۰۲

۱- نگرش علمی محض	۲۰۲
۲- بینش‌های نظری	۲۰۲
۳- بینش‌های فلسفی	۲۰۲
۴- بینش‌های مذهبی	۲۰۲
بینش فلسفی درباره هنر	۲۰۳
انسان و اثر هنری	۲۰۵
نسبت هنر با انسان	۲۱۰
حمایت از حیات معقول انسان‌ها، نه سانسور هنر	۲۱۳
فصل ۲- علت زیبایی‌گرایی انسان‌ها	۲۱۸
دیدگاه افلاطون و هگل درباره زیبایی	۲۱۹
واقعیت زیبایی	۲۲۲
فصل ۳- نوگرایی روح انسانی در هنر	۲۲۸
مطلوبیت نوگرایی در هنر	۲۲۸
ارتباط با واقعیات برای جهش به حقایق جدید	۲۲۸
عوامل نوگرایی و نویایی	۲۳۰
نوگرایی و اصالت آن در هنر	۲۳۲
جایگاه رویش هنر	۲۳۲
دستور خالق اصلی هنرها	۲۳۵
فصل ۴- هنر و خلاقیت	۲۳۸
هنرمند کیست؟	۲۳۸
گروه‌های سه‌گانه هنرمندان	۲۳۸
گروه یکم - علاقمندان و عاشقان فعالیت‌های هنری	۲۳۸
گروه دوم - هنرمندان حرفه‌ای	۲۳۸
گروه سوم - هنرمندان سازنده و پیشرو	۲۳۹
فعالیت‌های هنرمندان پیشرو	۲۴۲
نظریات مربوط به خلاقیت	۲۴۴
روش و عوامل شکوفایی خلاقیت‌ها	۲۵۵
عوامل به فعلیت رسیدن نیروی خلاقیت هنری نونهالان	۲۵۶
فصل ۵- ارتباط زیبایی با چهار مقوله	۲۵۹

زیبایی از دیدگاه علمی و فلسفی.....	۲۵۹
رابطه چهار موضوع با زیبایی.....	۲۶۰
۱- رابطه ارزش با زیبایی.....	۲۶۰
۲- رابطه لذت با زیبایی.....	۲۶۱
۳- رابطه تعجب با زیبایی.....	۲۶۱
۴- رابطه مفهوم عالی با زیبایی.....	۲۶۲
بخش دوم: تحلیل فلسفی زیبایی.....	۲۶۵
فصل ۱ - تحلیل حقیقت زیبایی.....	۲۶۶
تحلیل و نقد سه نظریه.....	۲۶۷
فصل ۲ - قطب درون ذاتی زیبایی.....	۲۷۱
توصیف جنبه‌های زیبایی.....	۲۷۱
ابعاد قطب درون ذاتی در ارتباط با زیبایی‌ها.....	۲۷۲
بُعد یکم - آگاهی به هستی به واسطه حیات.....	۲۷۲
بُعد دوم - تنوع‌طلبی حیات انسانی.....	۲۷۴
بُعد سوم - تطبیق آرمان‌ها و ایده‌های معقول بر زیبایی.....	۲۷۶
جدایی زیبایی‌های معقول از محسوس.....	۲۷۸
نسبیت قطب درون ذاتی زیبایی.....	۲۷۹
تفسیر افلاطون از زیبایی.....	۲۸۱
هگل و تفسیر زیبایی.....	۲۸۳
فصل ۳ - قطب برون ذاتی زیبایی‌ها.....	۲۹۲
وابستگی جهان هستی به مطلق برین (خدا).....	۲۹۲
رابطه اجزاء با کل در زیبایی.....	۲۹۹
فصل ۴ - تعریف زیبایی و رابطه آن با کمال.....	۳۰۵
ضرورت زیبایی معقول.....	۳۰۵
نسبی بودن تأثر از زیبایی‌ها.....	۳۰۸
رابطه هدف بودن زیبایی با شفافیت آن.....	۳۰۹
رابطه زیبایی با کمال.....	۳۱۲
وحدتِ شهودِ زیبایی.....	۳۱۳
انواع نظاره بر زیبایی‌ها.....	۳۱۴

۱- نظاره ابتدایی و سطحی.....	۳۱۴
۲- نظاره ابتدایی.....	۳۱۴
۳- نظاره داوری.....	۳۱۶
۴- نظاره با احساس ثانوی.....	۳۱۶
۵- نظاره گذران از زیبایی به کمال.....	۳۱۶
نمونه‌هایی از واحدهای عمومی (هیولا، حرکت، ماده و علیت).....	۳۱۹
فصل ۵- حقیقی بودن کمال.....	۳۲۳
کمال تکوینی محض و کمال ارزشی.....	۳۲۵
ماهیت کمال.....	۳۲۷
فصل ۶- تقسیم‌بندی زیبایی‌ها.....	۳۳۲
زیبایی فی نفسه (در موجودیت خود) و زیبایی مستند به غیر.....	۳۳۲
زیبایی معقول مستند به زیبایی محسوس.....	۳۳۳
زیبایی محسوس مستند به زیبایی معقول.....	۳۳۳
زیبایی محسوس فی نفسه.....	۳۳۴
زیبایی معقول فی نفسه.....	۳۲۷
یک وظیفه بزرگ انسانی بر گردن زیباشناسان.....	۳۳۸
تفاوت زیبایی محسوس فی نفسه و زیبایی معقول فی نفسه.....	۳۳۹
فصل ۷- زیبایی آرمان‌های معقول.....	۳۴۱
۱- نظم در هستی.....	۳۴۱
۲- آزادی.....	۳۴۲
۳- بروز طبیعت آن‌چنان که هست.....	۳۴۳
۴- احساس پیوستگی با گذشته و آینده.....	۳۴۴
۵- تطبیق معقول بر محسوس.....	۳۴۴
۶- ظهور ناب عواطف و احساسات.....	۳۵۵
۷- آرمان تجسم و نمایش ارزش‌ها.....	۳۵۶
۸- استقلال شخصیت.....	۳۵۷
فصل ۸- زیبایی اخلاقی عالی انسانی.....	۳۵۸
دو عامل جدایی زیبایی از اخلاق در غرب.....	۳۶۵

بخش سوم : نسبت هنر، با ارزش و حقیقت.....	۳۶۷
فصل ۱ - هنر پیرو، هنر پیشرو.....	۳۶۸
تعریف و ویژگی‌های هنر پیرو.....	۳۶۸
پیروی مردم.....	۳۶۹
بی‌توجهی به بایستگی‌ها.....	۳۶۹
بی‌اعتنایی به وحدت.....	۳۷۰
بی‌توجهی به اندیشه‌های والا.....	۳۷۱
تعریف ویژگی‌های هنر پیشرو.....	۳۷۲
جلوه‌گاه تعهد.....	۳۷۲
توجه به حیات معقول.....	۳۷۳
جهان هستی، یک اثر هنری.....	۳۷۳
فصل ۲ - رابطه هنر با ارزش‌ها.....	۳۷۷
اصالت فرد یا جامعه؛ بحثی در سؤالات سه‌گانه.....	۳۷۷
نقش آموزش هنر در قلمرو ارزش‌ها.....	۳۸۰
ایدئولوژی‌ها و ایجاد محدودیت.....	۳۸۶
تأثیرات موسیقی.....	۳۸۷
هنر و تکامل انسان.....	۳۹۳
فصل ۳ - هنر برای هنر، یا هنر برای انسان؟.....	۳۹۵
نقد دیدگاه جان استوارت میل.....	۳۹۵
هنر و تسخیر اقلیم درون.....	۳۹۷
سانسور هنر یا نجات حیات معقول.....	۳۹۹
فصل ۴ - رابطه زیبایی و هنر با حقیقت.....	۴۰۳
توضیحی درباره چهار نوع زیبایی.....	۴۰۴
رابطه زیبایی و حقیقت.....	۴۰۴
بیان حقیقت در قالب هنری.....	۴۰۸
رویارویی زیبایی با حقیقت.....	۴۱۱
رابطه زیبایی و هنر و حقیقت.....	۴۱۲
فصل ۵ - وحدت‌گرایی انسان‌ها.....	۴۱۴
ذهنی بودن وحدت.....	۴۱۴

نمایه مطالب ۱۳

ریشه‌گرایی انسان به وحدت.....	۴۱۶
فصل ۶- طرق وصول انسان‌ها به وحدت و ضرورت بیان هنری آن.....	۴۲۳
هنر و اتحاد انسان‌ها.....	۴۲۴
هنر و ارائه احساس برین.....	۴۲۶
نقد اندیشه‌های غربی.....	۴۲۸
هماهنگی و وحدت میان انسان‌ها.....	۴۳۰
۱- وحدت عددی.....	۴۳۰
۲- وحدت طبیعی.....	۴۳۰
۳- صیانت ذات.....	۴۴۲
۴- اشباع عواطف.....	۴۳۷
۵- قانون کنش و واکنش (عمل و عکس‌العمل).....	۴۴۲
۱- عامل عقلی وصول به وحدت انسان‌ها.....	۴۴۵
۲- عامل اخلاقی وصول به وحدت انسان‌ها.....	۴۴۵
۳- احساسی ظریف، فراتر و برتر از وظیفه اخلاقی.....	۴۴۶
۴- وصول به وحدت و احساس اختیاری از طریق دین.....	۴۴۸
نقش هنر شعری در وحدت انسان‌ها.....	۴۵۶
بخش چهارم- زیبایی از دیدگاه اسلام.....	۴۶۳
زیبایی از دیدگاه منابع اسلامی.....	۴۶۴
جمال خداوند.....	۴۶۴
تفسیر صفت جمال.....	۴۶۶
چگونگی دریافت جمال خداوندی.....	۴۷۱
محبت و اشتیاق به جمال خداوندی.....	۴۷۳
شکوه و جمال هستی.....	۴۷۶
مهندس و نقاش هستی.....	۴۸۰
انواع زیبایی‌ها در قرآن.....	۴۸۳
یک- زیبایی آسمان با ستارگانش.....	۴۸۴
دو- زیبایی ترکیب انسان و صورت او.....	۴۸۴
سه- زیبایی جانداران.....	۴۸۵
چهار- زیبایی مناظر طبیعی در روی زمین.....	۴۸۶

۴۸۷	پنج - زیبایی آرمان‌های معقول
۴۸۸	الف) عفو و اغماض زیبا
۴۸۸	ب) شکیبایی زیبا
۴۸۹	ج) جدایی و مفارقت زیبا
۴۹۲	د) زیبایی ایمان
۴۹۴	به وجود آوردن زیبایی‌ها
۴۹۷	نتیجه کلی تفسیر آیات مربوط به زیبایی
۴۹۸	استخدام زیبایی‌ها برای پوشاندن واقعیات و حقایق و ادعای تکامل!
۴۹۹	نوع یکم - سخنان زیبا که روپوشی به درون پلید است
۵۰۱	نوع دوم - آرایش جسمانی ظاهری با حیات خشکیده
۵۰۳	نوع سوم - زیبایی صوری در به کار انداختن گردونه تناسل
۵۰۹	کتاب سوم - موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی
۵۱۱	فصل ۱ - درآمد
۵۱۱	سؤال و شناخت حقیقت
۵۱۳	تعریف موسیقی
۵۱۵	موسیقی سنتی ایران و موسیقی غربی
۵۱۵	مقام
۵۱۵	دستگاه، آواز، گوشه
۵۱۶	چند اصطلاح موسیقی غربی
۵۱۶	سلفونی
۵۱۶	موومان (Mouvement)
۵۱۷	سونات (Sonate)
۵۱۷	سوئیت (Suite)
۵۱۷	اپرا (Opera)
۵۱۷	اپرت (Operette)
۵۱۸	فولکلور - در ادبیات
۵۱۸	شکل و محتوای موسیقی
۵۲۴	فصل ۲ - تحلیل موسیقی (رابطه موسیقی با شخصیت و نظام روحی انسان)
۵۲۴	بحث یکم: مقایسه گل و عموم مناظر طبیعی با موسیقی در محتوا

۵۲۵	بحث دوم: مقایسه شعر و موسیقی
۵۳۰	بحث سوم: مقایسه نقاشی و موسیقی
۵۳۱	بحث چهارم: مقایسه خط زیبا و موسیقی
۵۳۳	بحث پنجم: شکل و وسیله بروز موسیقی
۵۳۵	بحث ششم: رابطه موسیقی با عواطف انسانی
۵۴۱	بحث هفتم: تفاوت میان موسیقی‌های روحانی و غیر روحانی در ارزش
۵۴۱	بحث هشتم: ضرورت یا عدم ضرورت موسیقی
۵۴۴	بحث نهم: رابطه موسیقی با جان آدمی
۵۴۶	بحث دهم: منشأ واقعیت برون ذاتی موسیقی
۵۴۹	بحث یازدهم: ناسازگاری سماع با شهود حق
۵۴۹	بحث دوازدهم: موسیقی و رویارویی انسان با خود
۵۵۰	بحث سیزدهم: نسبت موسیقی با نفی خشونت
۵۵۳	بحث چهاردهم: موسیقی و تفهیم حقایق شهودی
۵۵۴	بحث پانزدهم: نسبت موسیقی با هیجانات و لذا یذ
۵۵۶	بحث شانزدهم: تمایز محتوای اصوات موزون با موسیقی
۵۵۸	بحث هفدهم: موسیقی و یادآوری واقعیات
۵۵۹	بحث هجدهم: اختلاف تأثیر موسیقی در مراتب پست حیات و مراتب عالی آن
۵۶۰	بحث نوزدهم: موسیقی و تلطیف روح یا نفس
۵۶۰	بحث بیستم: موسیقی و شخصیت‌های کمال یافته
۵۶۲	بحث بیست و یکم: شخصیت آدمی در تأثر از موسیقی
۵۶۷	بحث بیست و دوم: موسیقی و درمان
۵۶۸	بحث بیست و سوم: موسیقی و زندگی ماشینی
۵۷۱	فصل ۳ - موسیقی از دیدگاه هگل
۵۷۲	مطلب یکم - مکان (بُعد هندسی) و موسیقی
۵۷۳	مطلب دوم - آیا خطاب هنر موسیقی با حس شنوایی است؟
۵۷۳	مطلب سوم - معنای توالی اصوات یا نواها در زمان
۵۷۳	مطلب چهارم - آیا موسیقی، هنری مطلقاً ذهنی است؟
۵۷۴	مطلب پنجم - مقایسه تصویر با موسیقی
۵۷۵	مطلب ششم - نوای موسیقی پاینده نیست، چه معنا می‌دهد؟

مطلب هفتم - موسیقی و عینیت واقعی	۵۷۶
مطلب هشتم - معنای وحدت موسیقی با جان آدمی	۵۷۶
مطلب نهم - تأثیر موسیقی بر نفس انسان	۵۷۳
مطلب دهم - راز جذابیت موسیقی	۵۸۰
مطلب یازدهم - نمایش زمان به عنوان یک جریان مستمر غیر از واقعیت زمان	۵۸۱
مطلب دوازدهم - مقایسه میان پیوستگی مجرد زمان و کلیت محض نفس آدمی	۵۸۲
نگاهی دیگر به تجزیه نفس و رجوع آن به وحدت اصلی خویش در موسیقی	۵۸۲
فصل ۴ - مولوی و موسیقی	۵۸۷
نظریه جلال‌الدین محمد مولوی درباره موسیقی و سماع	۵۸۷
فصل ۵ - موسیقی و مبنای فقهی آن	۵۹۵
۱- غنای صوت انسانی	۵۹۵
۲- ادوات و ابزار موسیقی، که با فکر و دست بشری ساخته شده است	۵۹۶
ابزار و وسایل موسیقی در منابع حدیثی	۵۹۷
کتاب چهارم - فلسفه تاریخ	۵۹۹
درآمد	۶۰۱
فلسفه تاریخ	۶۰۱
مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ از دیدگاه قرآن و نهج‌البلاغه	۶۰۱
فصل ۱ - قانونمندی تاریخ	۶۰۲
قانونمندی هستی	۳۰۲
دو خطای متفکران در تحلیل تاریخ	۶۰۴
رابطه شناخت معلول با شناخت علت	۶۰۶
چیستی فلسفه تاریخ	۶۰۸
نسبت قانونمندی تاریخ با شخصی بودن آن	۶۰۹
فصل ۲ - تاریخ و قانون علیت	۶۱۱
قضیه یکم - انسان دارای اختیار و قانون علیت در تاریخ	۶۱۱
قضیه دوم - رابطه اختیار انسان با قانون علیت	۶۱۲
نقش علل در تبدیل کیفیت‌های اولیه به کیفیت‌های ثانویه	۶۱۵
ضرورت تفکیک میان تعاقب حوادث و علت و معلول	۶۱۵
فصل ۳ - عامل محرک تاریخ	۶۱۷

هویت تاریخ	۶۱۷
وحدت یا کثرت عامل محرک تاریخ	۶۱۹
درونی یا برونی بودن عامل محرک تاریخ	۶۲۱
نظریات اندیشمندان درباره عامل محرک تاریخ	۶۲۴
ادعای حرکت تکاملی تاریخ	۶۲۶
فصل ۴ - ضرورت تفکیک میان عامل ضروری تاریخ و عامل تعیین کننده کیفیت تاریخ	۶۲۸
موقعیت یکم - تعیین عامل کیفیت حیات	۶۲۹
موقعیت دوم - تعیین عامل کیفیت حیات انسان ها در حال زندگی جمعی	۶۳۱
فصل ۵ - سه عامل اصلی در حرکت تاریخ	۶۳۶
نقش خدا در تاریخ	۶۳۶
۱- تأثیر خداوند در تاریخ	۶۳۶
رابطه مشیت الهی و اختیار انسان	۶۳۸
نقش انسان در تاریخ	۶۴۱
۲- انسان	۶۴۱
کمیت و کیفیت دخالت و تأثیر انسان در تشکیل تاریخ خود، چیست و چگونه است؟	۶۴۳
۳- واقعیات مفید برای انسان ها	۶۴۴
منفعت گرایی در فلسفه تاریخ	۶۴۵
تلاش انسان برای منفعت	۶۴۸
فصل ۶- انسان و ادعای تکامل	۶۵۴
فساد و افساد انسان در تاریخ	۶۵۴
دلیل یکم - رفتار بشری در تاریخ، خلاف ادعای تکامل	۶۵۵
۱- تعریف رفتار	۶۵۵
۲- تقسیم رفتار در کشش زمان	۶۵۶
انواع رفتار با نظر به اراده	۶۵۶
نوع یکم - رفتار انعکاسی یا بازتابی محض	۶۵۷
نوع دوم - رفتار عادی	۶۵۷
نوع سوم - رفتار اضطراری	۶۵۹
نوع چهارم - رفتار اجباری	۶۶۰
نوع پنجم - رفتار اکراهی	۶۶۱

نوع ششم - رفتار اختیاری معمولی	۶۶۱
نوع هفتم - رفتار اختیار عالی	۶۶۲
نوع هشتم - رفتارهای تقلیدی	۶۶۳
نوع نهم - رفتار ابداعی	۶۶۳
نقش رفتارهای انسان در شناخت انسان و تاریخ	۶۶۴
آیا بشر مدعی تکامل، درباره رفتار خود، شناخت صحیح داشته است؟ اگر چنین است، پس چرا با این که در سراسر تاریخ می‌بیند هر کس انسان یا انسان‌هایی را گریانده است، خود او را نیز گریانده‌اند، با این حال کمترین عبرتی نمی‌گیرد؟	۶۶۶
دلیل دوم - معیارها و نشانه‌های سقوط انسان؛ نگاهی به ۵۲ عامل	۶۶۸
فصل ۷ - نقش پیامبران در تکامل انسان در تاریخ	۶۹۹
شیوه مبارزه پیامبران الهی با مفسدان	۷۰۱
معانی سنت در آیات قرآنی و نهج البلاغه	۷۰۷
تقلید از گذشتگان در تاریخ و تکیه بر آنان	۷۰۹
زندگی در پرتو حقایق، نه در سایه اقوام و ملل و شخصیت‌های گذشته	۷۱۱
کتاب پنجم - فلسفه تمدن	۷۱۷
فصل ۱ - مبانی شناخت اصول فلسفی تمدن‌شناسی	۷۱۸
اصول تمدن‌ها	۷۱۸
تعریف تمدن	۷۱۹
تعریف تمدن از دو دیدگاه مختلف	۷۲۱
علت اساسی سقوط تمدن‌ها	۷۲۵
فصل ۲ - بازیگری و تماشاگری انسان‌ها در شناخت تمدن‌ها	۷۲۸
راه از بین بردن یا تقلیل بازیگری ناشی از جبر طبیعت	۷۳۲
فصل ۳ - اصل یکم غیر مشروط در شناخت تمدن: خودخواهی حیات	۷۳۵
رابطه تعدیل خودخواهی با جبر تکنولوژی	۷۳۸
قدرت پرستی ماکیاولی	۷۳۹
قدرت به عنوان عامل سازنده	۷۴۱
نقش تعلیم و تربیت	۷۴۲
آیا حق پیروز است یا قدرت؟	۷۴۵
حق هرگز با قدرت، جنگ تن به تن ندارد	۷۴۷

توضیحی درباره گروه‌های آیات مربوط به حق	۷۵۱
فصل ۴- اصل دوم غیر مشروط در شناخت تمدن: اقتصاد	۷۵۸
فصل ۵- اصل سوم غیر مشروط در شناخت تمدن: آزادی و اختیار	۷۶۱
آزادی وسیله کسب کمال	۷۶۳
فصل ۶- اصل چهارم غیر مشروط در شناخت تمدن: ایستایی یک تمدن، آغاز رجوع به قهقرا	۷۶۷
فصل ۷- اصل پنجم غیر مشروط در شناخت تمدن: قانون علیت	۷۶۹
حاکمیت علیت بر تمدن‌ها	۷۷۳
فصل ۸- اصول فلسفی مشروط در تمدن‌شناسی	۷۸۰
فصل ۹- ارتباط تمدن‌ها و تأثیر و تأثر آنها از یکدیگر	۷۸۴
تناوب متفرق در تمدن‌ها	۷۸۷
بروز و اعتلا و سقوط جوامع و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها از دیدگاه اسلام	۷۸۹
فصل ۱۰- عوامل بروز و اعتلا و سقوط جوامع و فرهنگ‌ها و تمدن‌ها از دیدگاه نهج‌البلاغه	۸۰۰
مقدمه‌ای در توصیف فرهنگ و تمدن از دیدگاه اسلام و مکاتب بشری	۸۰۰
عوامل بروز و اعتلا	۸۰۲
۱- پابندی به خصلت‌های نیکو	۸۰۳
۲ و ۳- پابندی بسیار به اعمال پسندیده و امور نیکو و زیبا	۸۰۵
۴- آرمان‌های بزرگ	۸۰۵
۵- تکاپو در مخاطرات بزرگ و آثار پسندیده	۸۰۷
۶- وفای به عهد	۸۰۹
۷- اطاعت از نیکوکاری	۸۱۱
۸- نافرمانی و اعراض از کبر	۸۱۱
نکته‌ای مهم درباره سه عامل حیاتی تمدن	۸۱۵
۹- قرار گرفتن در شعاع انگیزش‌های فضیلت	۸۱۶
۱۰- خویشتن‌داری از ظلم و ناشایست تلقی کردن قتل نفس	۸۲۰
۱۱- انصاف برای همه خلق	۸۲۴
۱۲- حلم و فرو نشانیدن غضب	۸۲۴
۱۳- پرهیز از فساد در روی زمین	۸۲۵
۱۴- التزام به انس و محبت	۸۲۶
۱۵- برخورداری انسان‌ها از نیروهای مادی و معنوی	۸۲۹

۱۶- کوشش در هنگام آزمایش‌ها و گرفتاری‌ها.....	۸۳۲
۱۷- توافق در امیال و آرمان‌ها.....	۸۳۳
۱۸- اعتدال دل‌ها.....	۸۳۳
۱۹- بصیرت‌های نافذ.....	۸۳۴
انگیزه متفکران معاصر در بی‌توجهی به نقش دین در تاریخ.....	۸۳۵
نمایه آیه‌ها.....	۸۳۹
نمایه روایت‌ها.....	۸۴۵
نمایه خطبه‌ها.....	۸۴۷
نمایه نام‌ها.....	۸۴۹
نمایه کتاب‌ها.....	۸۵۹



پیشگفتار

مجموعه حاضر از نهمین شماره مجموعه آثار، شامل پنج اثر از آثار استاد فقید محمدتقی جعفری است که سه مجلد آن، یعنی «فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو»، «زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام»، «موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی» در سال‌های پیشین به صورت کتاب‌های مستقل در چندین نوبت چاپ و عرضه شده است.

کتاب چهارم و پنجم تحت عناوین «فلسفه تاریخ» و «مبانی شناخت اصول فلسفی تمدن‌شناسی»، نخست در مجموعه ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه ذیل تفسیر عمومی خطبه‌های ۲۶ و ۹۳ منتشر شده است که بنا به اهمیت این دو موضوع و سهولت دسترسی دانش‌پژوهان محترم، هم به صورت جداگانه به نام «فلسفه تاریخ و تمدن» منتشر شده، و هم در این مجموعه گنجانده شده است.

همه این پنج کتاب که در این مجموعه ملاحظه می‌کنید، در قالبی جدید تدوین و تنظیم شده و هر یک از کتاب‌ها پس از تقسیم‌بندی به بخش‌ها و فصل‌های گوناگون، با رعایت حفظ امانت در مطالب کتاب، ویرایش ادبی شده است تا خوانندگان محترم به آسانی بتوانند با مطالب مورد نظر خود، ارتباط برقرار کنند.

شاید بتوان گفت که مطالب هر یک از این پنج کتاب از ارزش فراوان برخوردارند، چرا که مباحثی در آنها مطرح شده که کمتر مورد توجه فلاسفه و متفکران اسلامی بوده است. البته برخی از نوآوری‌ها و ابداعات فلسفی استاد جعفری را نیز می‌توان در این مجموعه یافت. در کتاب «فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو»، در ابتدا دیدگاه‌های مختلف در باب تعریف فرهنگ بررسی شده و با تحلیل و نقد آنها، ایشان به طرح آرا و دیدگاه‌های خود می‌پردازد. کتاب «زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام» نیز بیشتر شامل مباحث فلسفی است. در این اثر، نویسنده پس از طرح برخی پرسش‌ها و پاسخ به آنها، مطالب جدیدی را مطرح کرده است.

بخشی از اهمیت این کتاب مربوط به آرا و دیدگاه‌های ایشان، به ویژه در مقایسه با اندیشه‌های فیلسوفان غربی است.

کتاب «موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی» اگرچه ناتمام ماند و پس از رحلت ایشان به حلیه طبع آراسته شد، اما این مقدار نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. وی زوایای مختلف تأثیر موسیقی را بر نظام روانی انسان در این اثر موشکافی کرده، و در چهارچوب نظریه حیات معقول، دیدگاه‌های خود را بیان می‌کند.

درباره موضوع فلسفه تاریخ، استاد جعفری در سال‌های دهه ۵۰ شمسی، سلسله مباحثی را تدریس کردند که در آن زمان در هیچ یک از آثار ایشان منتشر نشد و بعدها فقط در مجموعه ۲۷ مجلدی ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، ذیل تفسیر عمومی خطبه ۹۳ به چاپ رسید.

آخرین کتاب مجموعه حاضر، موضوع «مبانی شناخت اصول فلسفی تمدن‌شناسی» است که حاوی بسیاری از مطالب ابتکاری است. شایان ذکر است که در میان متفکران اسلامی، ابن خلدون به طور مستقل در باب تمدن مباحثی را مطرح کرد و متأسفانه سایر متفکران اسلامی تا عصر حاضر به این بحث نپرداخته‌اند، و آرا و دیدگاه‌های بعضی از متأخرین هم کمتر جنبه فلسفی دارد. استاد جعفری درباره این موضوع، از زاویه‌ای خاص به طرح مبانی فلسفی تمدن پرداخته که از جهات گوناگون قابل بررسی و تأمل است.

این مؤسسه در تولید و عرضه مجموعه آثارهای استاد محمدتقی جعفری سعی بر آن دارد که دقت در انجام کار در اولویت باشد، اگرچه این آثار با کمی تأخیر به بازار نشر و نزد علاقمندان راه می‌یابد. امید که نهمین مجلد از مجموعه آثار استاد محمدتقی جعفری مورد توجه صاحب نظران و تمامی دانش‌پژوهان قرار گیرد و این مؤسسه را از نظرات و پیشنهادهای خود بهره‌مند سازند.

کتاب اول

فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو

درآمد

فرهنگ و تأثیر ضروری آن در حیات معقول بشری

مقدمه‌ای در تعریف فرهنگ

محققان و صاحب نظران فرهنگ‌شناس، تاکنون ده‌ها تعریف یا توصیف پیرامون شناساندن فرهنگ ارائه داده‌اند. در *دائرة المعارف بریتانیکا*، تعداد تعاریف فرهنگ تا سال ۱۹۵۲ میلادی به یکصد و شصت و چهار مورد رسیده است. با دقت در این تعاریف به این نتیجه خواهیم رسید که تعدادی از آنها برای شناساندن یک یا چند عنصر فرهنگی ذکر شده است، مانند فرهنگ علمی، فرهنگ هنری، فرهنگ ادبی، فرهنگ اخلاقی و غیر آن. تعدادی دیگر از این تعاریف فقط لوازم و مختصات پدیده‌های فرهنگی را بیان می‌کنند، مانند شکل‌های متنوع هنری و عوامل آن. برخی دیگر، فرهنگ پیرو را توضیح می‌دهند، و بعضی دیگر فرهنگ پیشرو را معرفی می‌کنند؛ اگرچه به این دو اصطلاح تصریح نکرده‌اند. یک مثال ساده برای بیان این که آن همه تعاریف نتوانسته است یک مفهوم جامع را برای فرهنگ ارائه دهد، این است که: عده‌ای از اشخاص سعی می‌کنند برای تعیین مرکز دایره، نقطه‌هایی بسیار در درون دایره بزنند، ولی هیچ یک از آن نقطه‌ها مرکز حقیقی دایره نیست، زیرا صاحب نظران یا جامعه‌شناسان فرهنگی، آن هویت اصلی انسان را که پرچم خود را در مرز طبیعت و ماورای طبیعت زده است:

دو سر هر دو حلقه هستی به حقیقت به هم تو پیوستی

حافظ

جدی در نظر نگرفته و بنا بر این فقط به بررسی معلولات عناصر فرهنگی محدود، آن هم در عرصه فیزیکی پدیده‌ها و فعالیت‌های فرهنگی پرداخته‌اند. بدیهی است که به این

ترتیب، تعداد معلومات در عرصه فیزیکی نه تنها می‌تواند به یکصد و شصت و چهار تعریف برسد، بلکه می‌تواند از هزار هم تجاوز کند. شما برای اثبات این حقیقت می‌توانید به بی‌اعتنایی یا کم‌اعتنایی تعریف‌کنندگان فرهنگ به قطب درون ذاتی آن، مانند قطب درون ذاتی زیبایی، توجه فرمایید؛ در صورتی که فرهنگ، حقیقتی است دو قطبی: درون ذاتی و برون ذاتی. این مسئله را در مبحث بعدی بررسی خواهیم کرد. جامع‌ترین تعریفی که از فرهنگ با نظر به بیشترین تعاریف به عمل آمده می‌توان ارائه داد، این است:

فرهنگ عبارت است از: کیفیت یا شیوه بایسته و یا شایسته برای آن دسته از پدیده‌ها و فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعیدشده آنان در حیات معقول تکاملی است.^۱

عناصر و مصادیقی که برای توضیح و تعریف فرهنگ در دائرةالمعارف‌های بزرگ و کتاب‌های لغت دنیای امروز آمده، شامل هر دو کیفیت یا شیوه بایسته و شایسته است. یعنی موارد و مصادیقی که بیان شده، هم شامل حقایق شایسته است و هم شامل ضرورت‌های حیات انسانی، مانند آنچه که در *دائرةالمعارف فرانسه* آمده است:

فرهنگ، مجموعه دانش‌های دریافت‌شده توسط فرد یا جامعه است. مثلاً، مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی که تابع قواعد اجتماعی تاریخی گوناگون بوده و ساختارهایی که نتیجه تغییر رفتار و کردار در تحت شرایط تعلیم و تربیت خاص بوده است.

جملات بالا می‌تواند شامل هر دو گونه فعالیت‌ها و شرایط کاملاً ضروری حیات و شایستگی‌های غیر ضروری آن باشد.

البته همان‌گونه که در مباحث بعدی خواهیم دید، معنای هر یک از بایستگی‌ها و شایستگی‌ها، آن نیست که خواسته‌های نفسانی بشر در آن دو مقوله (بایستگی‌ها و شایستگی‌ها) دخالت نداشته باشد. بعضی از صاحب نظران عقیده دارند که مفهوم فرهنگ، شامل بایستگی‌های ضروری، زندگی، مانند علوم طبیعی یا علوم انسانی نمی‌شود، بلکه فقط شامل شایستگی‌هایی است که می‌تواند مبنای فرهنگ‌ها قرار گیرد. در این مورد، دو اصل مهم را باید در نظر گرفت:

۱- البته این تعریف مشترک برای فرهنگ پیشرو است، نه فرهنگ پیرو که ترقی و تکامل را هدفگیری نمی‌کند.

اول - هر اندازه فرهنگ از واقعیات جبری و زندگی طبیعی بالاتر برود و از حقایق تکاملی ذات برخوردارتر باشد، انسانی تر می شود.

دوم - آن اصل روحی بسیار والاست که بر طبق آن، انسان همواره می خواهد همه شئون و فعالیت های زندگی او باردار ارزش کمالی باشد. با نظر به این دو اصل است که عده ای از صاحب نظران انسان شناس معتقدند: باید فرهنگ همواره به عنوان یک عامل آرمانی و پیشرو در حرکت تکاملی انسان، نقش اساسی را به عهده داشته باشد.

فرهنگ و تمدن

چون که ما در تعریف فرهنگ «آن چنان که باید»، خاصیت تکاملی را ضروری می دانیم، لذا از این تعریف می توانیم برای تمدن «آن چنان که باید» نیز استفاده کنیم. البته برای تفاوت های این دو پدیده «آن چنان که هستند»، مباحثی متعدد وجود دارد که احتیاج به تألیف کتابی مستقل دارد. پیش از بحث و بررسی های لازم درباره تعریف فرهنگ که مطرح کردیم، لازم است اشاره ای هر چند کوتاه به ضرورت حیاتی فرهنگ اصیل و کمال بخش در «حیات معقول» بشری داشته باشیم.

نگرانی از نابودی آینده فرهنگ تکاملی

آن هنگام که افراد بشر نخواهند با آزادی شرافتمندانه به هماهنگی و وحدت برسند، با جبر ناآگاهانه در میان دندانه های زندگی ماشینی پهلوی هم قرار گرفته و با کمال بی اعتنایی به حقیقت، این وضعیت جدید خود را وحدت انسان ها خواهند نامید و اگر روزی فرا رسد که بلای خانمان سوز فرهنگ زدایی در خاندان بشریت، به اندازه ای ریشه دار شود که حتی بتواند اصول مشترک ارزش های فرهنگ تکاملی اقوام و ملل را تباه سازد، دلیل قطعی بر ناتوانی شرم آور مدیریت های جوامع خواهد بود، زیرا آنان نتوانستند پس از آن همه تکاپوهای تکاملی قرون و اعصار به وسیله انبیای الهی، حکما، اخلاقیون و فداکاری های انسان های وارسته و شهدای راه آزادی و شرف انسانی، همه افراد نوع بشر را در اعتقاد و عمل به اصول ارزش های فرهنگ تکاملی هماهنگ و متحد سازند، ناگزیر آنان را تنزل داده و در موقعیت ناآگاه دندانه های ماشین متحد ساختند که از حیات بسیار با عظمت انسانی و جمال و جلال بی نهایت آن، تنها لذا یذ حیوانی را دریابند و در عرصه زندگی، چیزی جز

«قدرت‌بازی» و «سلطه‌گری» و «من‌پرستی» و افزودن به همان دندان‌های ناآگاه ماشین نداشته باشند. در چنان روزی که شاید زیاد دور نباشد، وجدان حساس تاریخ و آن خدایی که آن وجدان را همانند قطب‌نمای کشتی وجود انسان‌ها در تاریخ قرار داده است، انتقام ارزش‌های نابودشده بشریت را از آن کسانی خواهند گرفت که در نابودی حیثیت و شرف و کرامت انسانی دست داشته‌اند.

همه تمدن‌های اصیل بشری، انبیای عظام الهی، حکما، نوابغ انسان‌شناس، اخلاقیون و فرهنگ‌سازان تاریخ انسانی در طول قرون و اعصار متمادی که هماهنگی و اتحاد انسان‌ها را هدف فعالیت‌های خود قرار داده بودند، می‌دانستند که اگر افراد بشر بخواهند به مقام هماهنگی و اتحاد و برادری و برابری که اصیل‌ترین آرمان انسانی است، نایل شوند، قطعاً باید در صفات کمالی و اخلاقی عالی و والا که جملگی از عوامل کمال هستند، به هم برسند، نه در مراحل پست حیوانی و صفات جمادی و ماشینی. دلیلی که می‌توان برای این اصل ارائه کرد، این است: هر اندازه انسان از صفات کمالی و اخلاق عالی برکنارتر باشد، به همان اندازه تحت تأثیر خود طبیعی حیوانی قرار می‌گیرد؛ همان خود طبیعی که در حیوانات به طور محدودتر وجود دارد، در حالی که خود طبیعی که در انسان مشغول مدیریت و سازماندهی و توجیه همه موجودیت انسانی است، به جهت فراوانی و تنوع استعدادهای دگرگون‌کننده بسیار نیرومندی که در انسان وجود دارد، از تأثیر و تأثر بسیار گسترده و عمیق با جهان هستی و با هم‌نوع خود برخوردار است.

این خود طبیعی، نه عدالت می‌فهمد و نه هم‌دردی؛ نه عواطف و احساس و تعقل و وجدان برای آن مطرح است و نه کار با تکامل و ترقی و فرهنگ دارد، در صورتی که بدون دریافت و عمل به مقتضای این امور کمالی، هماهنگی و اتحاد و برادری و برابری میان انسان‌ها، افسانه‌ای بیش نبوده و نخواهد بود، زیرا با نظر به مقتضای ذات خود طبیعی که خودخواهی و تلاش برای حیات مطلوب شخصی است، تضاد و تراحم و جنگ و خونریزی، یک جریان طبیعی خواهد بود؛ چنان که سراسر تاریخ نشان می‌دهد.

این بود پیش‌بینی کسانی که از دیدگاه فرهنگ اسلامی و شرقی به وضع زندگی جوامع امروزی نگرسته و نگرانی خود را از آینده نزدیک ابراز داشته‌اند. اما در نظریه بعضی از صاحب‌نظران غربی، نه تنها سقوط فرهنگ پیش‌بینی شده است، بلکه آنها آینده را در

همین زمان می‌بینند. آلبرت شوایتزر از جمله کسانی است که به شرایط اولیه و رادیکال بحران در فرهنگ غربی اشاره کرده و می‌گوید:

بر هر کس آشکار است که ما در راه خود نابود کردن فرهنگی هستیم. آنچه هم باقی مانده، دیگر ایمن و محفوظ نیست و اگر هنوز بر باد نرفته، بدین جهت است که در معرض فشار مخرب قرار نگرفته است، اما پایه‌اش سست است و با یک لرزش فرو خواهد ریخت. ظرفیت فرهنگی انسان مدرن کاهش یافته است، زیرا شرایط محیط سبب تنزل آدمی و صدمه روحی وی شده است.^۱

او انسان صنعتی را فاقد آزادی، دچار عدم تمرکز فکری، ناکامل و در خطر از دست دادن خود انسانی‌اش می‌داند. شوایتزر اضافه می‌کند:

چون جامعه با سازمان گسترش یافته خود، قدرت پوشیده‌ای بر انسان اعمال می‌کند، لذا وابستگی انسان به جامعه به درجه‌ای رسیده که تقریباً زندگی عقلانی و ذهنی از خود ندارد ... بنا بر این، وارد دوران قرون وسطای جدیدی شده‌ایم. تفکر به عمد کنار گذاشته شده است، زیرا عده زیادی تفکر را به اسم آزاد بودن رها کرده و لاجرم توسط گروهی که به آن تعلق دارند، رهبری می‌شوند. ما با فدا کردن استقلال فکری، ایمان به حقیقت را از دست داده‌ایم؛ جز این هم نمی‌تواند باشد. سازمان زندگی عقلی عاطفی ما به هم ریخته است. تمرکز خارج از حد امور عمومی به سازمان بی تفکر منجر می‌شود.^۲

به نظر شوایتزر: یکی دیگر از خصوصیات جامعه صنعتی، علاوه بر فقدان آزادی، «کوشش زیادی» است. دو سه قرن است که مردم فقط مانند موجود کارکننده زندگی کرده‌اند، نه مانند «انسان». جوهر انسانی تخدیر شده است و فرزندی که به وسیله والدین تخدیر شده رشد می‌کنند و پرورش می‌یابند، فاقد عامل ضروری تکامل انسانی هستند.

افراد بالغ که به شدت سرگرمند، خود را بیشتر و بیشتر تسلیم آشفتگی سطحی می‌کنند ... فعل‌پذیری مطلق، منحرف شدن از خود و فراموش کردن خویشستن، نیاز جسمی آنان است.^۳

شوایتزر در نتیجه‌گیری خود، کم کردن مقدار کار و کاهش مصرف خارج از اندازه و پرهیز از تجمل را توصیه و تأکید می‌کند. او پیرو مذهب پروتستان، مانند اِکهارت کشیش

۱- فروم، اریک، داشتن یا بودن، صص ۲۲۱-۲۱۸. ۲- همان.

۳- همان.

دومینیکن، تأکید می‌کند که:

انسان نباید به انزوای روحی «خودبینی» که از امور جهانی به دور است، روی آورد، بلکه باید یک زندگی فعال را در راه اشتراک در رساندن جامعه به کمال روحی در پیش گیرد. اگر بین مردم امروزی، کسانی که احساسات انسانی و اخلاقیشان دست نخورده و سالم باقی مانده، چندان زیاد نیست، بدین جهت است که آنان در پی قربانی کردن اخلاق و پرهیزکاری شخصی در محراب سرزمین پدری، و نه مبادله فعال فضایل خود با جوامع و دادن نیروی لازم به آنها برای نیل به کمال هستند.^۱

سپس نتیجه می‌گیرد که اکنون شالوده اجتماعی و فرهنگی کنونی، ما را به طرف فاجعه‌ای می‌برد که از آن، رنسانس جدیدی بسیار عظیم‌تر از رنسانس گذشته برخاسته خواهد، مگر این که بخواهیم نابود شویم.

در این رنسانس، فعالیت که محصول تفکر عقلانی است، اصل اساسی است؛ تنها اصل منطقی و عملی تکامل تاریخی که به وسیله انسان ارائه شده است ... یقین دارم که اگر انسان‌های متفکری باشیم، این انقلاب به وقوع خواهد پیوست.^۲

این انقلاب از هر نوع که تصور شود، قطعاً مبانی خود را بر تعدیل خودخواهی‌ها، خودکامگی‌ها، سلطه‌گری‌ها و لذت‌پرستی‌ها استوار خواهد ساخت، چرا که این مبانی بدون آبیاری شدن به وسیله مذهب امکان‌پذیر نیست. لذا، می‌توان حدس قوی زد که آن انقلاب قطعاً جنبه مذهبی خواهد داشت که اسلام، به ویژه شیعه، به عنوان دولت جهانی الهی در انتظار آن است.

این حقیقتی است که امروزه از طرف صاحب نظران علوم انسانی و فلسفه‌های مثبت گفته می‌شود: «ما در دورانی زندگی می‌کنیم که آبستن تحول یا تحولاتی بسیار مهم است». این تحول یا رنسانس، از هر مقوله که باشد، بدون تردید، انسان‌محور یا مبنای اساسی آن خواهد بود. دو نظریه عمده در ارزشیابی این تحول وجود دارد:

نظریه اول، بدبینانه بوده و می‌گوید:

بشر به تدریج به سقوط معنوی و اخلاقی دچار شده، اگر به کلی نابود نگردد، به شکل جاندارانی درخواهد آمد که جز خودخواهی، اشباع شهوات، ضعف تعقل و وجدان، بسته

۱- فروم، اریک، داشتن یا بودن، صص ۲۲۱-۲۱۸. ۲- همان.

شدن در لابلای ماشین و درآمدن به صورت پیچ و مهره‌های آن، راهی نخواهد داشت.

نظریه دوم، خوش‌بینانه بوده و می‌گوید:

این تحول یا رنسانس، بار دیگر اصالت ارزش‌ها را احیا کرده و انسان را با نظر به استعدادهای تکامل ذاتی که دارد، به خویشتن حقیقی خود بازخواهد گرداند.

با توجه به دلایل و شواهد متقن، می‌توان نظریه دوم را بر اولی ترجیح داد، مشروط بر این که گردانندگان جوامع با حکمای راستین و متخصصان واقعی علوم انسانی و فرهنگ‌شناسان همکاری کرده و حتی دست به فداکاری بزنند. اگر قدرت‌پرستان و سلطه‌جویان، با خودخواهی‌ها و خودکامی‌های خود بر حملات خود بر انسان و انسانیت بیفزایند و از انتحاری که گریبان همه را بدون استثنا خواهد گرفت، غفلت بورزند، قطعی است که تحول مورد انتظار مطابق نظریه بدبینانه، اگر به نابودی مطلق زمین و زمینیان منتهی نشود، دست کم بشریت تا حد دندانه‌های ماشین تنزل خواهد کرد.

ما با توجه به ذات کمال‌جوی انسانی و عشقی که همواره به فرهنگ تکاملی از خود نشان داده، و با نظر به حکمت و مشیت بالغه خداوندی، با نظریه دوم موافقت کرده و آینده انسان را پس از تحمل سختی‌ها و ناگواری‌های فراوان، روشن و سعادت‌آمیز می‌دانیم. از اساسی‌ترین دلایل این خوش‌بینی معقول، مشاهده استعداد ذاتی و اشتیاق جدی همه انسان‌ها به داشتن فرهنگ عالی و تکاملی است تا خود را در میان عوامل گوناگون تباهی بشر حفظ کنند. شما می‌توانید این حقیقت را در بخش تعاریفات این کتاب با کمال وضوح دریابید و به همین جهت است که ما در این بخش از کتاب، برای تحقیق در تعاریف «فرهنگ» از دیدگاه اقوام و ملل دنیا، با استناد به منابع مشهور و معتبر^۱ اهتمام کرده‌ایم تا بتوانیم اثبات کنیم: «فرهنگ اصیل و تکاملی» نخواهد مرد، مگر اینکه انسان از روی زمین رخت بربندد.

لزوم تحقیق در تعاریف فرهنگ

ما در این بخش، با دقت در تعاریف مشروح فرهنگ اقوام و ملل مختلف دنیا، به این نتیجه قطعی خواهیم رسید که: چون فرهنگ‌گرایی اصیل در ذات انسان‌هاست، لذا با وجود

۱- عمده این منابع و دائرةالمعارف‌ها و لغات و جامعه‌شناسی‌های فرهنگی است که بالغ بر ۲۲ منبع مهم می‌شود.

فعالیت‌های گوناگون قدرت‌ها و خودکامگی‌ها و لذت‌پرستی‌ها به وجود خود ادامه خواهد داد؛ و این است معنای این آیه شریفه که می‌گوید:

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلُهٗ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ^۱

خداوند از آسمان، آبی فرستاد. آن آب در دره به مقدار آنها به جریان افتاد؛ سيل جاری کف بلند بر روی خود آورد؛ چنان که آن فلزاتی که آتش بر آنها شعله‌ور می‌کنید تا زینت‌آلات یا کالای دیگر از آنها بسازید. خداوند مثال حق و باطل را چنین می‌آورد. اما کف [آب یا فلز] ناپایدار است و می‌رود، و اما آنچه که به حال مردم سودمند است، در روی زمین پایدار (باقی) می‌ماند. خداوند مثل‌ها را بدین‌سان می‌آورد.

قرن‌ها بگذشت و این قرن نویست	ماه آن ماه است و آب آن آب نیست
عدل آن عدل است و فضل آن فضل هم	لیک مُسْتَبَدِّل شد آن قرن و اُمم
قرن‌ها بر قرن‌ها رفت ای هُمام	وین معانی برقرار و بر دوام
آب مُبَدِّل شد در این جو چند بار	عکس ماه و عکس اختر برقرار
پس بنایش نیست بر آب روان	بلکه بر اَقْطَارِ عَرْضِ آسمان ^۲

ضرورت تحقیق در تعاریف فرهنگ

ممکن است بعضی از مطالعه‌کنندگان با دیدن این بخش کتاب که تحقیق در تعریف فرهنگ از دیدگاه مشهورترین دائرةالمعارف‌ها و بعضی از منابع جامعه‌شناسی و لغات و غیر آن در بر دارد، بگویند: دلیل مراجعه به این همه منابع و تحقیق در تعاریف بسیار فراوان فرهنگ از دیدگاه اقوام و ملل دنیا چه بوده است، در صورتی که نقل چند تعریف مشهور و بررسی آنها برای منظور اصلی کفایت می‌کرده است؟ پاسخ این سؤال این است: منظور ما اثبات این حقیقت است که هم نسل معاصر و هم آیندگان بدانند که در معنای حقیقی فرهنگ در میان همه جوامع دنیا، تکامل انسانی از ابعاد گوناگون علمی،

۲- مثنوی معنوی، دفتر ششم.

۱- سورة رعد، آیه ۱۷.

جهان‌بینی، مذهبی، اخلاقی، حقوقی، سیاسی و غیر آن، به عنوان کیفیت یا شیوه‌بایسته یا شایسته حیات بشری تضمین شده است و اگر هم عده‌ای از آگاهان سوداگر و سلطه‌جویان یا پوچ‌گرایان بخواهند فرهنگ را تا حد یک مشت پدیده‌های مبتذل تنزل دهند و نام آن را «فرهنگ جدید» مطرح کنند، مبتنی بر حقیقت نبوده و ریشه‌ای ضد انسانی دارد.

مقدمات تحقیق و بررسی تعاریف فرهنگ

۱- در آغاز بحث گفتیم: بنا بر آنچه که محققان و صاحب نظران پیرامون شناساندن فرهنگ ابراز می‌دارند، تاکنون تعاریفات یا توصیفاتی فراوان پیرامون مفهوم فرهنگ ارائه شده است. در سال ۱۹۵۲، دو محقق علوم انسانی به نام‌های آ. ال. کروبر^۱ و کلاید کلاک‌هان^۲ در کتاب *بررسی مفاهیم و تعاریف*^۳، تعاریف ارائه‌شده را در حدود ۱۶۴ مورد ذکر کرده‌اند.^۴ با بررسی‌های دقیق در این تعاریف خواهیم دید که آنچه موجب بروز این همه تعاریف مختلف و متعدد شده، تنوع دیدگاه‌های محققان و صاحب نظران در تفسیر مفهوم فرهنگ با اتفاق نظر در اصل تکامل آن بوده است. این اختلاف، چنان که خواهیم دید، مقداری با گذشت زمان و بروز انواع پدیده‌ها و مورد توجه قرار گرفتن آنها به عنوان کیفیت‌های شایسته حیات، و در برخی موارد معمول، خصوصیت‌های محیطی و برداشت از جهان‌بینی‌ها بوده است. مثلاً، در لغت فارسی، فرهنگ به معنای کشیدن^۵ و شاخه درختی را می‌گفتند که آن را بخوابانند و خاک به زیر و روی آن بریزند تا بیخ بگیرد و بعد از آن، آن را کنده و به جایی دیگر نهال کنند.^۶

۲- فرهنگ در عربی (الثقافة) به معنای پیروزی، تیزهوشی و مهارت بوده، سپس به معنای استعداد فراگیری علوم و صنایع و ادبیات به کار رفته است.^۷

1- A. I. Krober.

2- Clyde Kluckhohn.

3- A Critical Review of definitions and concept.

۴- دائرةالمعارف بریتانیکا، ماده Culture. ۵- لغت‌نامه دهخدا، ماده «ف».

۶- حسین‌بن فخرالدین حسن انجو شیرازی، فرهنگ جهانگیری، ماده «ف».

۷- ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ماده «ث»؛ عبدالله العلایلی، المرجع - معجم الوسیط، علمی، فنی و لغوی، ماده «ثقف»، المنجد، همین ماده.